

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۹

بررسی رابطه مؤلفه‌های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه‌های پیام نور جنوب فارس)

مهدی امیری^{۱*}

اکبر پرتابیان^۲

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه مؤلفه‌های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان است.

روش پژوهش: جامعه پژوهش شامل تمام دانشجویان ترم آخر دانشگاه پیام نور در جنوب فارس و نمونه آماری شامل ۱۴۵ نفر از این دانشجویان است که به صورت تصادفی خوشه‌ای از مرکز و واحدهای پیام نور جنوب فارس انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های هوش هیجانی شرنیگ است که پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴۶ شده و روایی محتوایی آن نیز تأیید شده و پرسشنامه استاندارد خلاقیت سلطانی بوده که روایی صوری آن با استفاده از نظر متخصصان تأیید و پایایی ۰/۸۹. با استفاده از آلفای کرونباخ برای آن به دست آمده است.

یافته‌ها: عمده‌ترین نتایج تحقیق نشان داد که، بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان در سطح ۰/۰۱. رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. نتایج آزمون آگروه‌های مستقل و تجزیه و تحلیل واریانس (آنوا) نشان داد که از لحاظ خلاقیت بین دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد ولی از لحاظ سن و تحصیلات، تفاوت معناداری بین دانشجویان مشاهده نشد. همچنین نتایج آزمون تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که در دو گام متغیرهای خودانگیزی و خودکنترلی خلاقیت دانشجویان را پیش بینی کرده است.

۱- عضو هیات علمی گروه تربیتی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (mahdiamiri10@gmail.com)

۲- کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (akbar.partabian@yahoo.com)

نتیجه‌گیری: بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: هوش هیجانی، خلاقیت، دانشجو، پیام نور.

مقدمه

از هوش تعریف واحدی به دست نیامده است و صاحب نظران مختلف آن را به گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند، بنابراین نمی‌توان از هوش تعریف واحد و مشخصی به دست داد. با این حال عناصری از هوش وجود دارند که مورد توافق اغلب پژوهشگران قرار گرفته است. گیچ و برلاینر (۱۹۹۲) این عناصر را در سه دسته قراردادده اند: ۱- توانایی پرداختن به امور انتزاعی (اندیشه‌ها، نمادها، روابط، مفاهیم و اصول). ۲- توانایی حل مسأله یا پرداختن به موقعیت‌های جدید که مطابق طبقه کاربستن بلوم و یادگیری قاعده سطح بالای گانیه است. ۳- توانایی یادگیری، بویژه یادگیری انتزاعیات (سیف، ۱۳۸۳، ۹-۵۷۸).

هیجان، سازه‌ای روان‌شناختی است که شامل ارزیابی شناخت، انگیزه‌ها و موقعیت‌ها می‌شود. هیجان به عنوان یک موضوع تحقیقی ابتدا در رشته روان‌شناسی و بعداً در حیطه‌های دیگر مثل شناخت، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد توجه قرار گرفت (ترن^۱، ۱۹۹۸).

عنوان هوش عاطفی (هیجانی) به صورت علمی برای نخستین بار در رساله‌ای علمی در مقطع دکتری رشته روانشناسی مطرح شد (بار-آن^۲، ۱۹۹۷). اولین نظریه پردازانی که تعریف علمی از هوش عاطفی بیان کرد پیترو سالوی (۱۹۹۰) است که آن را نوعی از پردازش اطلاعات عاطفی (هیجانی) می‌داند که شامل ارزیابی درست هیجان و احساس در خود و دیگران، بیان صحیح احساس و تنظیم انطباقی احساسات است به شیوه‌ای که سطح زندگی بهبود یابد. در سال ۱۹۹۹ مایر و همکاران او این تعریف را بهبود بخشیدند. مایر و همکاران

1 - Tran

2 - Bar-On

هوش عاطفی را توانایی می‌دانند که به شناخت مفهوم عواطف و روابط آنها، و استدلال و حل مسائل بر مبنای آنها می‌پردازد. هوش عاطفی شامل ظرفیت درک عواطف، تلفیق احساسات مربوط به عواطف، درک اطلاعات این عواطف و مدیریت آنها است (کروچی و همکاران^۱، ۲۰۰۱، ۹). در همین دوران، گلمن^۲ با انتشار کتاب معروف خود با عنوان "هوش عاطفی" در سال ۱۹۹۵ تعریف هوش عاطفی را تا حد زیادی تغییر داد. او هوش هیجانی را شامل توانایی کنترل احساس ها و هیجان های خود و دیگران، پذیرش دیدگاه های سایر افراد و کنترل روابط و تنش های اجتماعی می‌داند (گلمن، ۲۰۰۰).

از طرف دیگر میرمیران (۱۳۸۵) معتقد است تنها مزیت رقابتی انسان در عرصه رایانه، خلاقیت و نوآوری است؛ زیرا هنوز رایانه ای که دارای قوه تخیل و تصور باشد ابداع نشده است. خلاقیت یا آفرینندگی و نیز آفرینشگری^۳، مهمترین و اساسی ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی ترین عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش کاملاً حیاتی ایفا می‌نماید. خلاقیت و نوآوری از والاترین موهبت های الهی به انسان و از عوامل اشرف مخلوقات شدن و خلیفه الهی بودن اوست. کلیه علوم، تولیدات، فن آوری ها، صنایع، ابداعات، اختراعات، هنرها، ادبیات، موسیقی، معماری و به طور کلی اساس انواع تمدن ها از ابتدا تا کنون و کلیه دستاوردهای بشری، جلوه های گوناگون خلاقیت و نوآوری است. تمدن انسانی و زندگی وی بدون خلاقیت نمی‌تواند امکان پذیر باشد.

لذا از یک طرف با توجه به در هم تنیدگی هیجان و شناخت در کارکردهای شناختی و اجتماعی افراد و اهمیت هیجان در تلاش های خلاق و همچنین محدود بودن مطالعات در این زمینه و از طرف دیگر از آنجا که دانشجویان به عنوان مهم ترین عنصر در نظام آموزش عالی محسوب می‌شوند و برای اینکه بتوان نسلی را تربیت کرد تا بتوانند ایده‌های نو و جدیدی را در جهت حل معضلات اجتماعی ارائه دهند باید به نوعی هیجان‌ات و عواطف آنان را در

1 - Ciarrochi, Forgas, & Mayer

2 - Goleman

3 - Creativity

مسیر صحیح هدایت کرد که اگر چنین شود نظام آموزش عالی دارای کارآیی و اثربخشی و بهره‌وری لازم خواهد بود. لذا مسأله اساسی در این تحقیق، بررسی رابطه بین هوش هیجانی با قدرت خلاقیت دانشجویان در دانشگاه پیام نور است که با توجه به اهمیت و جایگاه دانشگاه پیام نور به عنوان بزرگترین دانشگاه کشور و نیاز بخش‌های مختلف کشور به دانش آموختگانی ماهر و توانمند، این ضرورت دوجندان می‌شود.

هوش هیجانی از سوی برخی پژوهشگران شامل متغیرهای شخصیتی است که با شاخص‌های بین موقعیتی رفتار، نظیر همدلی و احساس مسئولیت است (پارسا، ۱۳۸۰).

بار-آن (۲۰۰۰) مدلی چند عاملی برای هوش هیجانی تدوین کرد و هوش هیجانی را نظامی از مهارت‌ها و کارآیی‌های مشخص دانست که بر توانایی‌های او برای موفقیت با بحران و رویارویی‌های محیطی تأثیر می‌گذارد. او با معرفی ۱۵ بعد هوش هیجانی مدعی شد که هوش هیجانی مهارت‌های هیجانی و اجتماعی در طی زمان رشد می‌کنند و می‌توان از طریق آموزش و برنامه‌های اصلاحی و درمانی آنها را افزایش داد.

اندیشمندان هوش احساسی بر این باور هستند که این نوع هوش از یک سری قابلیت‌های اکتسابی ناشی می‌شود که به عملکرد موفق و اثربخش افراد و مدیران در سازمان‌ها می‌انجامد. مطالعات نشان داده‌اند که بر خلاف بهره هوشی، هوش هیجانی قابل یادگیری و ارتقا است (قلی‌پور، ۱۳۸۶، ۳۲۱).

هوش هیجانی شامل توانایی‌هایی مثل برانگیختن خود، مقاومت در مواجهه شدن با ناکامی‌ها، کنترل تکانه‌ها و به تأخیر انداختن خوشی‌ها، تنظیم خلق خود، همدلی کردن و امیدوار بودن است. هوش هیجانی ظرفیت بازشناسی احساسات در خود و دیگران، برانگیختن خود و مدیریت صحیح هیجانات خود در روابط مختلف با سایر افراد است (فورد^۱، ۲۰۱۰). یکی از ابعاد هوش هیجانی، توانایی استفاده از هیجان‌ها برای تسهیل

1- Ford

فرآیند های شناختی انسان و توانایی خلق افکار و آفرینش چیزهای بدیع و مفید است (استرنبرگ و لوبارت^۱، ۲۰۱۰).

برخی دیگر از پژوهشگران، هوش هیجانی را یک سازه انعطاف پذیر می دانند و معتقدند با آموزش های لازم و مقتضی به صورت مستقیم و غیرمستقیم می توان هوش هیجانی را در افراد افزایش داد و موجب رشد و شکوفایی آنها شد (لاتیمر^۲، ۲۰۰۷).

در حال حاضر دو الگوی هیجانی وجود دارد: هوش عنوان رگه و هوش هیجانی به عنوان توانایی رگه هوش هیجانی (یا خود اثربخشی هیجانی) با هیجان مربوط به موقعیت ها و خود ارزیابی ها رابطه دارد و از طریق مقیاس های خود گزارش دهی سنجیده می شود (سونگ و همکاران^۳، ۲۰۱۰؛ پتریدز و همکاران^۴، ۲۰۰۷). در حالی که توانایی هوش هیجانی (یا توانایی شناختی - هیجانی) با هیجان مربوط به توانایی های شناختی مرتبط است و از طریق آزمون های عملکردی سنجیده می شود (کیل و بل، ۲۰۰۸؛ سانگ و دیگران، ۲۰۱۰). بنابراین تفاوت بین روی آورد توانایی و رگه نسبت به هوش هیجانی بسیار اساسی است.

در نظریه ها و الگوهای متعددی که از سوی روان شناسان و محققان برای خلاقیت ارائه شده است، عوامل زیادی مثل انگیزش، سبک های تفکر، ویژگی ها و نگرش های شخصیت و هوش بر خلاقیت اثر دارند (هنسی، ۲۰۰۰، استرنبرگ، ۱۹۸۸ به نقل از لطیفیان و البرزی، ۱۳۸۵).

سانتروک^۵ (۲۰۰۴) خلاقیت را به این صورت تعریف کرده است: توانایی اندیشیدن درباره امور به راه های تازه و غیرمعمول و رسیدن به راه حل های منحصر به فرد برای مسائل (رهنما و عبدالملکی، ۱۳۸۸، ۶۲).

1 - Sternberg & Lubart

2 - Latimer

3 - Song & et al

4 - Petrides, Pita & Kokkinaki

5- Santork

خلاقیت شناختی، توانایی و ظرفیت فرد برای تولید ایده ها، آثار و محصولات نو و ابتکاری را نشان می دهد. به عبارت دیگر، خلاقیت موجب می شود تا فرد انطباقی جدید با شرایط و موقعیت های محیطی به گونه ای غیر مرسوم ولی مفید پیدا کند. از این رو باور صاحب نظران بر این است که خلاقیت، ضمن داشتن توانایی استدلالی در درون خویش با تخیل و واگرایی همراه است (رانکو و آلبرت^۱، ۲۰۰۶).

شعبانی (۱۳۸۳) تفکر خلاق را تفکری که به حل مشکلات و مسائل سخت و حل نشده می پردازد یا برای مسائل و مشکلات حل نشده گذشته راه حل جدیدی کشف می کند می داند و معتقد است که این نوع تفکر معمولاً به ابداع و اختراع منجر می شود.

رابرت گانیه (۱۹۷۷، ۱۹۸۴) آفرینندگی را نوعی حل مسأله می داند و معتقد است که اعمال آفرینشی مانند رفتار حل مسأله، بر مقدار زیادی دانش قبلی متکی هستند (سیف، ۱۳۸۳). تورنس، خلاقیت را واجد تفصیل بیشتری دانسته و به عنوان نوعی مسأله گشایی مد نظر قرار داده است. به نظر وی تفکر خلاق مختصر عبارت است از فرآیند حس کردن مسائل یا کاستی های موجود در اطلاعات، فرضیه سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه ها، بازنگری و بازآزمایی آن ها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران (رجایی، ۱۳۸۹، ۵۲).

پیرامون رابطه هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی، آوریل (۲۰۰۷) معتقد است هوش هیجانی مؤلفه ای همگراست که بر مبنای آن، فرد علاوه بر درک و فهم باورها، قواعد و معنادادن به هیجان ها قادر است ارزیابی صحیح از موقعیت داشته و احساسات خود را به خوبی ابراز کند. پاسخ هیجانی و احساسی ابراز شده اگر مطابق با سنت ها و قواعد پذیرفته شده فرهنگی نباشد نوعی واگرایی است که اگر پیامدهای مثبت و سازنده داشته باشد خلاقیت هیجانی محسوب می شود و اگر پیامدهای منفی و آزاردهنده داشته باشد نوعی روان نژندی تلقی می شود (هاشمی، ۱۳۸۸، ۳).

1- Runco and Alber

به زعم هیگز و هندر (۲۰۰۶) یکی از راه‌های تسریع خلاقیت در بین افراد، هوش هیجانی است. هیجان نقش مهمی در تسهیل خلاقیت ایفا می‌کند. خلاقیت با تخیل و تصور ارتباط دارد و وقتی فردی با عقاید، افراد و محیط تعامل برقرار کند این تعامل منجر به روابط و نتایج جدید معناداری می‌شود (هیگز و هندر^۱، ۲۰۰۶).

خلاقیت فردی عبارت است از شرایط گذشته، سبک شناختی (تفکر واگرا)، عوامل فردی (مثل عزت نفس، مرکز کنترل)، دانش مناسب، انگیزش، اثرات اجتماعی (همچون تسهیلات اجتماعی و ترفیحات اجتماعی) و اثرات بافتی (مثل محیط فیزیکی، محدودیت‌های زمانی و کاری). خلاقیت گروهی عبارت است از درون‌دادهای رفتار خلاق فردی، تعامل افراد، ویژگی‌های گروهی (مثل هنجارها)، فرآیندهای گروهی (مثل رویکرد حل مسأله) و اثرات بافتی (وانگ و احمد^۲، ۲۰۰۳).

"آمایلی" رئیس مرکز پژوهش‌های دانشکده بازرگانی دانشگاه هاروارد سه عنصر خلاقیت را عبارت می‌داند از: ۱- مهارت‌های مربوط به موضوع؛ شامل دانش و شناخت ما نسبت به حقایق، اصول، نظریات آن موضوع که از طریق استعداد، تجربه و آموزش در آن حوزه به دست می‌آید. ۲- مهارت‌های مربوط به خلاقیت شامل؛ شکستن عادت، کنار گذاشتن شیوه‌های فکری و عملی پیشین و استفاده از روش‌های جدید، به تعویق انداختن قضاوت و ارزیابی ایده‌ها برای جلوگیری از ضایع شدن ایده‌ای که در ابتدا ممکن است جالب و مفید به نظر نیاید، متفاوت دیدن مسائل و مشاهده امور به شیوه تازه. ۳- انگیزه؛ توانایی یادگیری موضوعات جدید به وضعیت ذهنی انسان بستگی دارد نه به یک استعداد ذاتی و خدادادی؛ و این توانایی یادگیری هنگامی به اوج می‌رسد که فرد نسبت به آنچه انجام می‌دهد علاقه‌ای کامل و بی‌قید و شرط داشته باشد. این انگیزه شامل انگیزه درونی و بیرونی می‌شود (سعیدی کیا، ۱۳۸۵، ۶۳-۶۶).

1 - Higgs and Hender
2 - Wang and Ahmed

هرچند هوش هیجانی و خلاقیت، هر دو، هیجان‌ها و هوش را به طریقی سودمند برای فرد با هم ترکیب می‌کنند اما در فرایندهای شناختی که بر می‌انگیزند و ملاک‌های به کار گرفته شده برای اندازه‌گیری آن‌ها با هم تفاوت دارند. در حالی که هوش هیجانی مستلزم توانایی تحلیلی و همگرایی به سمت بهترین پاسخ به یک مسأله هیجانی است. خلاقیت هیجانی مستلزم رهاشدن از واکنش‌های هیجانی معمول و خلق واکنش‌های بدیع است (اوسویک و همکاران^۱، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، خلاقیت هیجانی به میزان زیادی با تجربه‌های گوناگون هیجانی و خلاقیت در تکالیف آزمایشگاهی مرتبط است که مستلزم بیان هیجان‌ات است و با هوش شناختی همبستگی چندانی ندارد (گوتبزال و اوریل^۲، ۱۹۹۶).

پالفای و سالووی (۱۹۹۳) و ایسن (۱۹۹۹) معتقد هستند هوش هیجانی شخص را قادر می‌کند خلق مثبت را حفظ و آن را افزایش دهد که همین امر می‌تواند به طور غیر مستقیم فرد را در فرآیند تفکر خلاق درگیر کند (اوسویک و همکاران^۳، ۲۰۰۷).

سیف (۱۳۸۳) بیان می‌کند که نتیجه پژوهش‌ها نشان داده است که بین هوش و آفرینندگی، همبستگی بالایی وجود ندارد و حدود $+0/20$ است. هر چند که این رابطه مربوط به افراد با هوش‌بهر بالای ۱۲۰ است اما چیزی که مشخص است این است که آزمون‌های هوش به تنهایی راه خوبی برای شناسایی کودکان آفریننده نیست؛ یعنی آزمون‌های آفرینندگی دسته‌ای از ویژگی‌های فکری و ذهنی را می‌سنجند که با آزمون‌های هوش به سنجش در نمی‌آید.

پور فرج عمران (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی رابطه بین خلاقیت، هوش هیجانی و خودکارآمدی در دانشجویان دانشگاه پیام نور آمل پرداخته و به این نتیجه رسید که بین خلاقیت و خودکارآمدی و همچنین بین مؤلفه‌های خودآگاهی، خودکنترلی و خودانگیزی هوش هیجانی با خلاقیت رابطه وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که هیچ تفاوت

1 - Ivcevic & et al

2 - Gutbezahl & Averill

3 - Ivcevic & et al

معناداری بین نمرات خلاقیت، خودکارآمدی و هوش هیجانی دختران و پسران دانشجو وجود ندارد.

مقدم و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی رابطه بین خلاقیت و هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته و به این نتیجه رسیدند که بین مؤلفه خود مدیریتی هوش هیجانی و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین میانگین نمره دانشجویان در خلاقیت و هوش هیجانی از نظر مقاطع تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد ولی از نظر جنسیت تفاوت معناداری مشاهده نشد.

رهنا و عبدالملکی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه شاهد پرداخته و به این نتیجه رسیدند که پیشرفت تحصیلی دانشجویان (معدل کل آنها) با هفت متغیر پیش بینی کننده، رابطه معناداری (با جهت مثبت) دارند که سیالی، انعطاف پذیری، بسط، ابتکار، خودانگیزی، خودآگاهی و خودکنترلی را شامل بودند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون به منظور تبیین سهم هر یک از متغیرهای هوش هیجانی و خلاقیت به تفکیک در پیش بینی پیشرفت تحصیلی نیز نشان داده که به ترتیب متغیرهای "سیلی"، "انعطاف پذیری"، "بسط"، "ابتکار"، خودانگیزی و "خودآگاهی" بیشترین سهم را دارند. نتایج به دست آمده از آزمون t مستقل نیز نشان داد که بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان دختر و پسر در پیش بینی پیشرفت تحصیلی آنها تفاوت معناداری وجود ندارد.

هاشمی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه دانشگاه مازندران به این نتیجه رسید که تفاوت معناداری در خصوص دانشجویان گروه های تحصیلی مورد پژوهش در هوش هیجانی و خلاقیت وجود ندارد اما در خلاقیت هیجانی میان دانشجویان گروه هنر با دانشجویان گروه ادبیات و علوم پایه تفاوت معنادار وجود داشت. نتایج مرتبط با همبستگی نیز حاکی از

همبستگی ضعیف بین هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی، فقدان همبستگی هوش هیجانی و خلاقیت و همبستگی متوسط خلاقیت هیجانی و خلاقیت بوده است.

نوفرستی و معین الغربائی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان هوش هیجانی و خلاقیت در دانشجویان نشان دادند که بین هر سه جنبه هوش هیجانی و خلاقیت در هر دو جنس رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج آزمون Z فیشر نشان داد، ضرایب همبستگی بین جنبه ادراک و بیان هیجان از هوش هیجانی با زیر مقیاس های بسط، انعطاف پذیری، سیالی و خلاقیت کلی در پسران به گونه معناداری بیشتر از گروه دختران بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که دو جنبه نظم دهی به هیجان و ادراک و بیان هیجان در گروه دختران ۷ درصد و در گروه پسران نمره هوش هیجانی کلی و جنبه ادراک و بیان هیجان ۱۶ درصد از واریانس خلاقیت را تبیین می کند.

صبری و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی وجود دارد چنانچه بین بعد گفت و شنود و هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی رابطه مثبت و معنادار و بین بعد همنوایی و هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

همچنین بعد گفت و شنود، پیش بینی کننده مثبت و معنادار متغیرهای هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی است از طرفی تفاوت های جنسیتی حاکی از آن بود که میان دختران و پسران در متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی تفاوت معناداری وجود ندارد.

قنبری و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه هوش هیجانی و خلاقیت با اثربخشی سازمانی مدارس دوره متوسطه شهرستان سنندج به این نتیجه رسیدند که میان مؤلفه های خود آگاهی، مهارت های اجتماعی و خودانگیزی از مؤلفه های هوش هیجانی و تمامی مؤلفه های خلاقیت با اثربخشی سازمانی مدارس بوده است. نتایج تحلیل رگرسیونی

داده‌ها نشان داد که متغیر انعطاف‌پذیری در دبیرستان و سیالی به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی را با اثربخشی سازمانی مدارس دارند. همچنین نتایج آمارهای تحلیلی رگرسیونی چند متغیره نشان داد که متغیرهای هوش هیجانی و خلاقیت در دبیرستان به طور خالص ۵۶۵/۰ درصد از واریانس اثربخشی سازمانی مدارس را تبیین می‌کنند.

باتاستینی^۱ (۲۰۱۲) در پژوهش خود میان هوش هیجانی و خلاقیت و اثربخشی در مدارس ارتباط مثبت قوی به دست آورد. در این پژوهش، او پیشنهاد کرد که هوش هیجانی برای خلق افکار و عملکردهای نو می‌تواند فرآیند تفکر خلاق را تسهیل کند.

تی سوان چین و همکاران^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در پرورش خلاقیت و نوآوری در میان کارآفرینان موفق پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار میان تمامی ابعاد هوش هیجانی و هوش معنوی با ارتقای خلاقیت و نوآوری کارآفرینان بوده است. زناسنی و لویارت^۳ (۲۰۰۹) نیز در دو مطالعه رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش از بخش‌های ۱ و ۳ مقیاس چند عاملی هوش هیجانی که توانایی شناسایی هیجان‌های اصلی را می‌سنجید، استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین جنبه شناسایی هیجان‌ها در چهره و تصویر با توانایی تولید و خلق افکار نو رابطه منفی وجود دارد. بنابراین، نتایج به دست آمده از پژوهش‌هایی که مورد بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت پرداخته‌اند ناهمسان است. همچنین در این پژوهش‌ها به تفاوت دو جنس در رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت اشاره نشده است.

وانگ^۴ و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند هوش هیجانی فرزندان با هوش هیجانی والدین و میزان ارتباطات آنها رابطه مثبت و معنادار داشته است.

1 - Batastini

2 - Tee Suan Chin & et al

3 - Zenasni, F., & Lubart, T. I

4 - Wang

جاسووک و جاسووک^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه ای به بررسی تفاوت های جنس در امواج مغزی مربوط به هوش هیجانی پرداختند و نشان دادند که فعالیت های مغزی مربوط به هوش هیجانی در دو جنس متفاوت است.

در مطالعه ای که توسط چان^۲ (۲۰۰۵) در دانشگاه هنگ کنگ انجام شد ارتباط بین خلاقیت ادراک شده و هوش هیجانی دانش آموزان تیزهوش چینی در هنگ کنگ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان دادند که ارتباط مثبت معناداری بین خلاقیت و هوش مورد بررسی قرار گرفت و نمره های خلاقیت و هوش هیجانی نیز با سن و جنس تغییر نکرد.

ولفردت و دیگران^۳ (۲۰۰۲) در مطالعه ای استنباط کردند که ابعاد هوش هیجانی به تفکر شهودی و رگه های شخصیت خلاق نزدیکند، بنابراین خلاقیت ابزاری برای مهار هیجان است.

در خصوص رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت، باتاستینی^۴ (۲۰۰۱) بیان می دارد که دانشجویانی که از هوش هیجانی قوی تری برخوردارند از نظر اجتماعی متعادل، شاد و سرزنده بوده و قادر به کنترل احساسات منفی خود بوده و همچنین در زمینه درسی از خود خلاقیت نشان داده و قادر به عملکرد بهتر نسبت به دیگر دانشجویان بوده اند.

هیگر و هندر^۵ (۱۹۹۹) نیز در تحقیق خود در زمینه رابطه بین ویژگی های مدیران خلاق و هوش هیجانی نشان دادند که رابطه معناداری وجود ندارد.

با توجه به آنچه که ذکر شد سه سؤال اساسی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:
 (۱) آیا بین مؤلفه های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان در دانشگاه پیام نور رابطه معناداری وجود دارد؟

1 - Jausovec, N., & Jausovec, K

2 - Chan

3 - Wolfradt

4 - Batasini

5 - Higgs and Hender

۲) آیا بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان در دانشگاه پیام نور بر حسب متغیرهای تعدیل کننده جنسیت، سن و تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد؟
 ۳) کدام یک از مؤلفه‌های هوش هیجانی، پیش بینی کننده بهتری از خلاقیت دانشجویان در دانشگاه پیام نور است؟

روش شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بوده است. جامعه پژوهش شامل تمام دانشجویان پسر و دختر ترم آخر دانشگاه پیام نور در جنوب فارس و نمونه آماری شامل ۱۴۵ نفر از این دانشجویان است که با بهره‌گیری از جدول مورگان و به صورت تصادفی خوشه‌ای از مرکز و واحدهای پیام نور جنوب فارس انتخاب شده‌اند. ابزار پژوهش شامل؛

۱) پرسشنامه؛ پرسشنامه هوش هیجانی شرینگ^۱ (۱۹۹۶)؛ که دارای ۳۳ سؤال با مقیاس لیکرت ۵ درجه ای و دارای ۵ مؤلفه خوداندگیری (سوالات شماره ۱، ۹، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۶ و ۳۱)، خودآگاهی (سوالات شماره ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۲۴، ۲۷، ۳۲ و ۳۳)، خودکنترلی (سوالات شماره ۲، ۵، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۳ و ۳۰)، همدلی (سوالات شماره ۳، ۴، ۱۷، ۲۲، ۲۵ و ۲۹) و مهارت اجتماعی (سوالات شماره ۷، ۸، ۱۳، ۱۹ و ۲۸) است ضمن اینکه پاسخ سوالات شماره ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۰ و ۳۱ به صورت معکوس محاسبه می‌شود. حداقل نمره در این آزمون ۳۳ و حداکثر ۱۶۵ است. منصوری (۱۳۸۰) پایایی آزمون را به وسیله آلفای کرونباخ و روایی آن را به دست آورده و در این تحقیق نیز میزان همسانی درونی کل آزمون به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴۶ شده است.

۲) پرسشنامه استاندارد خلاقیت سلطانی (۱۳۸۹) با ۴۰ سؤال و در طیف لیکرت ۴ درجه ای، که میزان خلاقیت به وسیله نمره کل حاصل از ابزار برای هر آزمودنی بین ۴۰ تا ۱۶۰

محاسبه می شود. روایی صوری آن با استفاده از نظر متخصصان تأیید و پایایی ۸۹٪ با استفاده از آلفای کرونباخ برای آن به دست آمده است.

به منظور تحلیل آماری داده ها از دو روش توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در تحلیل توصیفی از شاخص هایی چون؛ فراوانی، میانگین، انحراف معیار و جداول و در تحلیل استنباطی نیز از آزمون هایی چون؛ «ضریب همبستگی پیرسون»، «رگرسیون چندگانه گام به گام»، «تحلیل واریانس یک راهه (آنوا)» و «جداول ضرایب رگرسیون» استفاده شده است.

یافته های پژوهش

جدول شماره (۱) نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را در تحقیق حاضر به تفکیک مؤلفه های متغیر پیش بین (مؤلفه های هوش هیجانی) و ابعاد متغیر ملاک (خلاقیت) نشان می دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد و مؤلفه ها	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	پایین ترین	بالا ترین
					نمره	نمره
پیش بین	خود انگیزی	۱۴۵	۲۳/۳۴	۳/۶۳۵	۱۷	۳۰
	خود آگاهی	۱۴۵	۲۶	۴/۸۴۴	۱۵	۳۴
	خود کنترلی	۱۴۵	۲۴/۰۳	۵/۹۷۱	۱۱	۳۲
	همدلی (هوشیاری اجتماعی)	۱۴۵	۱۹/۶۵۵	۳/۵۴۸	۱۴	۲۸
	مهارت های اجتماعی	۱۴۵	۱۵/۷۹	۴/۰۳۴	۸	۲۴
	کل (هوش هیجانی)	۱۴۵	۲۱/۷۶۵	۳/۵۳۸	۱۵/۶۰	۲۶/۸۰
	ملاک	کل (خلاقیت)	۱۴۵	۸۷/۳۷۹	۱۳/۷۵۹	۵۸

سؤال اول پژوهش عبارت بود از اینکه "آیا بین مؤلفه های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان در دانشگاه پیام نور رابطه معناداری وجود دارد؟"

برای بررسی رابطه بین ابعاد مؤلفه های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان^۱

متغیر	خودانگیزی	خودآگاهی	خودکنترلی	همدلی (هوشیاری اجتماعی)	مهارت‌های اجتماعی	هوش هیجانی (کل)	خلاقیت (کل)
خودانگیزی	۱						
خودآگاهی	.۴۴۰ ^{**}	۱					
خودکنترلی	.۷۶۶ ^{**}	.۳۸۶ ^{**}	۱				
همدلی (هوشیاری اجتماعی)	.۴۷۰ ^{**}	.۴۲۸ ^{**}	.۴۷۷ ^{**}	۱			
مهارت‌های اجتماعی	.۷۱۳ ^{**}	.۶۳۲ ^{**}	.۶۱۷ ^{**}	.۶۳۸ ^{**}	۱		
هوش هیجانی (کل)	.۸۴۱ ^{**}	.۷۲۵ ^{**}	.۸۳۷ ^{**}	.۷۲۱ ^{**}	.۸۸۴ ^{**}	۱	
خلاقیت (کل)	-.۶۴۵ ^{**}	-.۴۰۴ ^{**}	-.۶۳۴ ^{**}	-.۳۵۳ ^{**}	-.۵۰۳ ^{**}	-.۶۴۳ ^{**}	۱

سؤال دوم پژوهش عبارت بود از اینکه "آیا بین مؤلفه های هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان در دانشگاه پیام نور بر حسب متغیرهای تعدیل کننده جنسیت، سن و تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد؟"

۱ - **p<۰/۰۱

جدول ۳. نتایج آزمون t گروه های مستقل در خصوص تفاوت خلاقیت

بر حسب متغیر تعدیل کننده جنسیت دانشجویان

متغیر تعدیل کننده	نمونه	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	t	سطح معناداری	$P \leq 0.05$. مقدار بحرانی جدول
جنس	پسر	۲۰	۷۲/۵۰	۱۱/۴۸	۲/۵۷	-۵/۷۴	/۰۰۱	۱/۶۴
	دختر	۱۲۴	۸۹/۷۷	۱۲/۶۳	۱/۱۳			
سن	۲۰-۳۰	۱۳۴	۸۷/۶۹	۱۴/۱۵۶	۱/۲۲۲	/۹۳۸	/۳۵۰	
	۳۱-۴۰	۱۱	۸۳/۶۴	۶/۶۶۷	۲/۰۱۰			

برای مقایسه تفاوت خلاقیت بر حسب متغیرهای تعدیل کننده جنسیت و سن داز آزمون t گروههای مستقل استفاده شد که نتایج بدست آمده در سطح خطای ۰/۰۵ نشان داد که از لحاظ خلاقیت بین دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد ولی از لحاظ سن تفاوت معناداری مشاهده نشد (جدول شماره ۳).

جدول ۴. نتایج مربوط به وجود تفاوت معنادار بین خلاقیت بر حسب متغیر تعدیل کننده تحصیلات دانشجویان

مؤلفه	متغیر تعدیل کننده	سطوح متغیرها	نمونه پژوهش	میانگین	انحراف معیار	f	سطح معناداری
خلاقیت	تحصیلات	دانشجویان سال اول	۱۰	۸۴	۹/۴۸۶	۱/۹۶۵	/۱۴۴
		فوق دیپلم	۶۵	۸۵/۲۵	۱۲/۷۷۶		
		لیسانس	۸۰	۸۹/۵۳	۱۴/۷۴۴		

همچنین نتایج آزمون استنباطی f "تحلیل واریانس یک راه" (جدول شماره ۴) به منظور بررسی وجود تفاوت معنادار در خصوص خلاقیت بر حسب متغیر تعدیل کننده

تحصیلات، حاکی از آن است که بر حسب متغیر تعدیل کننده تحصیلات، تفاوت معناداری بین میانگین نمره خلاقیت دانشجویان در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد.

سؤال سوم پژوهش عبارت بود از اینکه «کدام یک از مؤلفه های هوش هیجانی، پیش بینی کننده بهتری از خلاقیت دانشجویان در دانشگاه پیام نور است؟»

برای تعیین سهم هر یک از متغیرهای ابعاد مؤلفه های هوش هیجانی در پیش بینی خلاقیت دانشجویان، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد. تحلیل های مقدماتی به منظور اطمینان از عدم تخطی از مفروضه های نرمال بودن، خطی بودن، هم خطی و یکسانی پراکندگی انجام شد. همچنین بررسی نمودار پراکنش و نمودار پراکنش پس مانده های استاندارد شده نشان داد که از مفروضه های نرمال بودن، خطی بودن و یکسانی پراکندگی تخطی نشده است. جداول شماره (۵ و ۶) خلاصه این نتایج و جدول شماره (۷) سهم هر یک از متغیرهای وارد شده به مدل در پیش بینی خلاقیت دانشجویان را نشان می دهند.

جدول ۵. خلاصه یافته های حاصل از تحلیل رگرسیون به روش گام به گام

برای پیش بینی خلاقیت از روی مؤلفه های هوش هیجانی

شاخص های آماری متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی چندگانه R	مجذور ضریب همبستگی (ضریب تعیین) R^2	ضریب هستگی تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
خود انگیزی	۰/۶۴۵	۰/۴۱۷	۰/۴۱۳	۱۰/۵۴۶
خود کنترلی	۰/۶۸۱	۰/۴۶۴	۰/۴۵۷	۱۰/۱۴۳

مندرجات جدول شماره (۵) نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود متغیرهایی که با خلاقیت دانشجویان کمترین رابطه را داشته اند حذف شده اند لذا تنها متغیرهای خود انگیزی و خود کنترلی بیش ترین همبستگی چندگانه

را با پیش بینی خلاقیت دانشجویان داشته است. بر این اساس، به ترتیب اهمیت، ترتیب متغیرهای پیش بین در تحلیل رگرسیون گام به گام در اولین گام متغیر پیش بین خودانگیزی با خلاقیت دانشجویان دارای ضریب همبستگی $0/645$ بوده و در دومین گام با افزوده شدن متغیر پیش بین خودکنترلی، ضریب همبستگی به $0/681$ رسید که در مجموع، این متغیر قادر به تبیین $0/464$ درصد واریانس خلاقیت دانشجویان بوده است.

جدول ۶. تحلیل واریانس چندگانه (آنوا) به روش گام به گام

برای پیش بینی پیش بینی خلاقیت دانشجویان

منبع تغییرات مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
رگرسیون	۱۱۳۵۸/۷۰۸	۱	۱۱۳۵۸/۷۰۸		
باقیمانده	۱۵۹۰۵/۴۳۰	۱۴۳	۱۱۱/۲۲۷	۱۰۲/۱۲۲	./..۱
کل	۲۷۲۶۴/۱۳۸	۱۴۴			
رگرسیون	۱۲۶۵۴/۸۷۵	۲	۶۳۲۷/۴۳۸		
باقیمانده	۱۴۶۰۹/۲۶۳	۱۴۲	۱۰۲/۸۸۲	۶۱/۵۰۲	./..۱
کل	۲۷۲۶۴/۱۳۸	۱۴۴			

۱= پیش بین ها: (ثابت)، خود انگیزی

۲= پیش بین ها: (ثابت)، خود انگیزی، خودکنترلی

همان طور که در جدول شماره (۶) نشان داده شده است تحلیل واریانس، اعتبار رگرسیون گام به گام را در پیش بینی خلاقیت دانشجویان مورد تأیید قرار می دهد.

جدول ۷. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد برای متغیرهای معنی دار در تحلیل رگرسیون برای پیش بینی خلاقیت دانشجویان از روی مؤلفه‌های هوش هیجانی

شاخص ها متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد			
۱- ثابت	۱۴۴/۴۱۷	۵/۷۱۲		۲۵/۲۸۴	/۰۰۱
خود انگیزی	-۲/۴۴۳	/۲۴۲	-/۶۴۵	-۱۰/۱۰۶	/۰۰۱
۲- ثابت	۱۴۰/۲۵۵	۵/۶۱۷		۲۴/۹۶۹	/۰۰۱
خود انگیزی	-۱/۴۶۱	/۳۶۱	-/۳۸۶	-۴/۰۴۱	/۰۰۱
خود کنترلی	-/۷۸۱	/۲۲۰	-/۳۳۹	-۳/۵۴۹	/۰۰۱

نتایج جدول شماره ۷ نشان می دهد که سایر متغیرها به دلیل کمترین ارتباط حذف شده اند و فقط در دو گام متغیرهای خودانگیزی و خودکنترلی، وارد معامله شده است. نتایج بیانگر این است که متغیر خودانگیزی با ضریب بتای ۰/۳۸۶- و متغیر خودکنترلی با ضریب بتای ۰/۳۳۹- رابطه منفی و معناداری با خلاقیت دانشجویان داشته است. این نتیجه نشان دهنده این است که کاهش خودانگیزی و خودکنترلی، خلاقیت دانشجویان را پیش بینی می کند.

بحث و نتیجه گیری

با ظهور عصر اطلاعات و ارتقای ارزشمندی ارتباطات انسانی و هم چنین بروز موقعیت‌های استراتژیک سازمانی، نظریه هوش عاطفی رشد چشمگیری یافته و از مباحث پرطرفدار سازمانی شده است. کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند می توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرآیند تفکر و اقدامات شخصی استفاده کنند. هوش هیجانی، اصطلاح فراگیری است که مجموعه گسترده‌ای از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته و به

طور معمول به آن دسته مهارت‌های درون فردی و بین فردی اطلاق می‌شود که فراتر از حوزه مشخصی از دانش‌های پیشین، چون هوش‌بهر و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای است. لذا در این تحقیق به دنبال بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان دانشگاه های پیام نور جنوب فارس بوده ایم. در این راستا یافته های به دست آمده نشان داد که رابطه معکوس و معناداری بین هوش هیجانی با خلاقیت وجود دارد. چنان که پالفای و سالووی (۱۹۹۳) و ایسن (۱۹۹۹) معتقد هستند توانایی های هیجانی می تواند با خلاقیت مرتبط باشد. هوش هیجانی شخص را قادر می کند از روابط بین خلق و عملکرد آگاه شود و تلاش های خود را به سمت فعالیت هایی هدایت کند که بهترین وضعیت هیجانی را موجب می شود (اوسویک و همکاران، ۲۰۰۷). در بررسی ادبیات مربوط به افزایش هوش هیجانی، هیگز و دولویکز (۲۰۰۲) به برخی از تحقیقات انجام شده در زمینه بین هوش هیجانی و خلاقیت فردی که توسط سالوی و مایر (۱۹۹۳)، گلنن (۱۹۹۸) و بار-آن و پارکر (۲۰۰۰) بیان شده است نشان داده اند که شواهد کمی در حمایت از این رابطه وجود دارد. همچنین نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق هیگز و هندز (۲۰۰۶) که در تحقیق خود در زمینه رابطه بین ویژگی های مدیران خلاق و هوش هیجانی نشان دادند که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد همسو نیست، ولی با نتایج تحقیق باتاستینی (۲۰۰۱) تحت عنوان "رابطه هئش هیجانی، خلاقیت و رهبری در بین دانش آموزان" همخوانی دارد که نشان داد رابطه معناداری بین هوش هیجانی و خلاقیت وجود دارد. در همین رابطه، پورفرج عمران (۱۳۸۷)، مقدم و همکاران (۱۳۸۷) و رهنما عبدالملکی (۱۳۸۸)، نوفرستی و معین الغربائی (۱۳۸۹)، صبری و همکاران (۱۳۹۲)، قنبری و همکاران (۱۳۹۳)، باتاستینی (۲۰۱۲)، تی سوان چین و همکاران (۲۰۱۲)، زناسنی و لوبارت (۲۰۰۹)، چان (۲۰۰۵) و ولفردت و دیگران (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری وجود دارد ولی، سیف (۱۳۸۳)، هاشمی (۱۳۸۸) و هیگز و هندر (۱۹۹۹) نیز به این نتیجه رسیدند که بین هوش هیجانی و خلاقیت رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج t گروه‌های در سطح خطای ۰/۰۵ نشان داد که از لحاظ خلاقیت بین دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد ولی از لحاظ سن تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین نتایج آزمون استنباطی f «تحلیل واریانس یکراهه» حاکی از آن است که بر حسب متغیر تعدیل کننده تحصیلات، تفاوت معناداری بین میانگین نمره خلاقیت دانشجویان در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد. در تبیین یافته حاصل می‌توان گفت به رغم تفاوت محتوایی رشته‌های تحصیلی مورد پژوهش، پیشینه مشابه آموزشی دانشجویان در نظام آموزشی، بویژه در دانشگاه پیام نور، در ارتباط با کسب مهارت‌های هوش هیجانی و ارتباط آن با خلاقیت آنان می‌تواند به عنوان یک احتمال در نظر گرفته شود. به علاوه، از آنجایی که آزمودنی‌های مورد مطالعه در محدوده سنی نزدیکی بوده‌اند و اکثریت آنان در محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال بوده‌اند می‌توان گفت که رده سنی مشابه نیز در نبود تفاوت معناداری نمره‌های آزمودنی‌های در هوش هیجانی و خلاقیت نقش دارد که در راستای یافته‌های پورفرج عمران (۱۳۸۷)، مقدم و همکاران (۱۳۸۷)، رهنما و عبدالملکی (۱۳۸۸) و هاشمی (۱۳۸۸) و مغایر با یافته باتاستینی (۲۰۰۱) است. همچنین مطالعات انجام شده در زمینه تفاوت های دو جنس در مقیاس هوش هیجانی نشان می‌دهد که زنان از هوش هیجانی بالاتری نسبت به مردان برخوردارند (پارکر و همکاران^۱، ۲۰۰۵؛ براکت^۲، ۲۰۰۴؛ ون روی و همکاران^۳، ۲۰۰۵؛ احمدی ازغندی و همکاران، ۱۳۸۵).

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام به منظور تعیین سهم هر یک از متغیرهای ابعاد مؤلفه‌های هوش هیجانی در پیش بینی خلاقیت دانشجویان نشان داد که متغیرهای خودانگیزی و خودکنترلی بیشترین همبستگی چندگانه معکوس را با پیش بینی خلاقیت دانشجویان داشته است و به این معناست که هر چه مؤلفه‌های خودکنترلی و خود-انگیزی کاهش می‌یابد خلاقیت دانشجویان افزایش می‌یابد و شاید این امر به این دلیل است

1 - Parker & et al

2 - Brackett

3 - Van-Rooy & et al

که همان‌طور که اوسویک و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که دو توانایی هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی تقریباً ناهمبسته هستند، هوش هیجانی مستلزم تفکر همگرا در حل مسائل هیجانی است در حالی که خلاقیت هیجانی مستلزم فرآیند تفکر واگرا و خلق پاسخ‌های مناسب و در عین حال اصیل است. همچنین نتایج این تحقیق به نوعی مغایر با یافته‌های هادیزاده مقدم و همکاران (۱۳۸۸) است که به این نتیجه رسیدند که مهارت‌های فردی (خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش)، ارتباطی قوی و مثبت با گرایش کارآفرینانه - که خود حاصل خلاقیت است - دارد. به عبارت دیگر، دارندگان مهارت‌های فردی، افرادی مبتکر، خلاق، نوآور، بیش‌فعال و ریسک‌پذیر هستند.

سپاسگزاری: این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام شده است.

منابع

- احمدی ازغندی، علی، فراست معمار، فرامرز، تقوی، ح و اوالحسنی، آزاده (۱۳۸۵). روایی و اعتبار پرسشنامه رگه هوش هیجانی پترایدز و فارنهام، فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۱۰، ۱۵۷-۱۶۸.
- پورفرج عمران، مجید (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین خلاقیت، هوش هیجانی و خودکارآمدی، *اولین کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی، TRIZ و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران*.
- رجایی، حمید (۱۳۸۹). *آفرینندگی، تفکر جانبی و باوردینی*، تهران: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- رهنما، اکبر و عبدالملکی، جمال (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه شاهد، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۵، شماره ۲، ۵۵-۷۸.
- سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۵). *اصول و مبانی کارآفرینی*، چاپ چهارم، تهران: کیا.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۳). *روان‌شناسی پرورشی*، چاپ دوازدهم، تهران: آگاه.

- شعبانی، حسن (۱۳۸۳)، مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت، چاپ نوزدهم.
- صبری؛ مصطفی، البرزی، محبوبه، بهرامی، محمود و همکاران (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش آموزان دبیرستانی، اندیشه های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء، دوره ۹، شماره ۲، ۳۵-۶۳.
- قلی پور و آراین (۱۳۸۶). مدیریت رفتار سازمانی، چاپ اول، تهران: سمت.
- قنبری و همکاران (۱۳۹۳). بررسی رابطه هوش هیجانی و خلاقیت با اثر بخشی سازمانی مدارس دوره متوسطه شهرستان سنندج، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۲، ۱۳۵-۱۵۱.
- گلنم، دانیل (۱۳۸۰). هوش هیجانی، ترجمه نسرين پارسا، تهران: انتشارات رشد.
- لطیفیان، م و البرزی، م (۱۳۸۵). بررسی نقش باورهای انگیزشی بر خلاقیت کودکان، فصلنامه انجمن ایرانی روان شناسی، ۱۰ (۴).
- مقدم، اعظم، نیک بخت، اکرم، نیک نشان، شقایق و سیادت، سیدعلی (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان، مجله مطالعات روان شناسی تربیتی، دوره ۵، شماره ۱، ۹۹-۱۱۲.
- منصوری، ب (۱۳۸۰). هنجاریابی پرسش نامه هوش هیجانی سبیریا شرینگ در بین دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- میرمیران، سید جلیل (۱۳۸۵). کارآفرینی جامع. چاپ اول، نشر کلمه.
- نوفرستی، اعظم و معین الغریائی، فاطمه (۱۳۸۹). هوش هیجانی و خلاقیت در دانشجویان، روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۷۵-۱۸۹.
- هادیزاده مقدم، اکرم، رامین مهر، حمید و حسینی، سیدسجاد (۱۳۸۸). بررسی ارتباط هوش هیجانی با گرایش کارآفرینانه (مطالعه موردی: سازمان های وابسته به شرکت نفت)، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره چهارم، ۱۳۹-۱۶۲.
- هاشمی، سهیلا (۱۳۸۸). هوش هیجانی، خلاقیت هیجانی و خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه، اندیشه های نوین تربیتی، دوره ۵، شماره ۲، ۷۹-۱۰۳.

- Bar-On, R. (1997). *Bar-On Emotional Quotient Inventory: Technical Manual*. Toronto: Multi-health System.
- Bar-on, R. (2000). *The hand book of Emotional in telliyence: theory Develop ment, Assessment and application at home, School and work Place*. Sanfran Cisco.
- Bar-On, R. & Parker. (2000). *Bar-On Emotional Quotient Inventory: Youth Version*. New York: Multi Health Systems.
- Batastini, Susan Dutch. (2001). Relationship among student's emotional intelligence, creativity and leadership. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences*. 62(2-A), 456.
- Batastini, S. D. (2012). The relationship among student's emotional intelligence, creativity and leadership. *Dissertation Abstract International Secction A: Humanities and Social Science*, 62. (UMI No AAI 3006440).
- Brackett, M.A., Mayer, J.D., & Warner, R.M. (2004). EI and its relation to everyday behavior. *Personality and Individual Differences*, 36(6), 1387-1402.
- Ciarrochi, J, Forgas, J. & Mayer, J. D. (2001), *Emotional intelligence in every day's life*, Philadelphia, PA: Psychology press.
- Chan, D.W. (2005). Self-perceived creativity, family hardiness, and emotional intelligence of Chinese gifted students in Hong Kong. *Journal of Secondary Gifted Education*. 16, (2,3), 47-56.
- Ford, sam, A, (2010). Factor leading to innovation: a study of manager's perspective about factor creativity reaserch. *Journal of creativity*, No23, pp: 34-87.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantam.
- Goleman D. (2000). *Leadership that gets results*, Harvard Business Review.
- Gutbezahl, J & Averill, J. R. (1996). Individual differences in emotional creativity as manifested in words and pictures, *Creativity Research Journal*, 9, 327-337.
- Higgs, M. and Dulewics, V. (2002). *Making Sense of Emotional Intelligence*. London: ASE.
- Higgs, M. and Hender, J. (2006). Characteristics of Creative Managers. *Journal of General Management*. 29, (4)1-20.
- Jausovec, N., & Jausovec, K. (2005). Sex differences in brain activity reated to general and emotional intelligence. *Brain and Cognition*, 59(3), 277-286.
- Keele, S., & Bell, R.C. (2008). The factorial validity of emotional intelligence: An unresolved issue. *Personality and Individual Differences*, 44(2), 487-500.
- Latimer, A .E., Rench, T.A., & Brackett, M. A. (2007). Emotional intelligence: A framework for examining emotions in sport and exercise

- groups. *Dynamics in exercise and sport psychology* (pp.3-27). NEW YORK: Routledge.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence: In P. Salovey, & D. Sluyter (Eds.). *Emotional development and emotional intelligence: Implications for educators*, (pp. 3-31). New York: Basic Books
- Parker, J.D.A., Saklofske, D.H., Shaughnessy, P.A., Huang, S.H.S., Wood, L.M., & Eastabrook, J.M. (2005). Generalizability of the emotional intelligence construct: A cross-cultural study of North American aboriginal youth. *Personality and Individual Differences*, 39(1), 215-227.
- Petrides, K.V., Pita, R., & Kokkinaki, F. (2007). The location of trait emotional intelligence in personaliti factor space. *British Journal of Psychology*, 98, 273-289.
- Runco and Albert. (2006). *Theorys of creativity*. McGrahill press.
- Song, L.J., Huang, G., Peng, K.Z., Law, K.S., Wong, C., & Chen, Z. (2010). The differential effects of general mental ability and emotional intelligence on academic performance and social interactions. *Personality and Individual Differences*, 38(1), 137-143.
- Sternberg, R., & Lubart, T. L. (2010). *The concept of creativity: Prospects and paradigms*. In R. Sternberg (Ed.), *Handbook of creativity*. Cambridge: Cambridge university press.
- Tee Suan Chin Susan, RamanbKavitha, Yeowc Jian Ai, Cyril EzedUchenna (2012). Relationship between Emotional Intelligence And Spiritual Intelligence In Nurturing Creativity And Innovation Among Successful Entrepreneurs: A Conceptual Framework. *Social and Behavioral Sciences*, 57 (2012) 261 – 267.
- Tran, V. (1998). The role of emotional climate in learning organization, the learning organization, *Educational Management*. 5 (2), 99-103.
- Van-Rooy, D.L., Alonso, A., & Viswesvaran, CH. (2005). Group differences in emotional intelligence scores: Theoretical and practical implications. *Personality and Individual Differences*, 38(3), 69-700.
- Wang, C. L. and Ahmed, P. K. (2003). Emotion: the missing part of systems methodologies. *Educational Management*. 32 (9), 1283-1296 .141-150.
- Wang, C. S., Derfoo, M., Wang, C. V., Wong, P. M. (2007). *The feasibility of Training and development of EI. Intelligence*, 35,
- Ivcevic, Z, Brackett, M. A & Mayer, J. D, (2007). Emotional intelligence and emotional creativity, *Journal of Personality*, 75, 199-235.
- Wolfradt, U., Felfe, J., & Koster, T. (2002). Selfperceived emotional intelligence and Personality. *Imagination, Cognition and Personality*, 21(4), 293-300.

Zenasni,F.,&Lubart,T.I.(2009). Perception of emotion,alexithymia and creative potential.*Personality and Indivitual differences*,46(3),353-358.

